

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاییدیه اعضای هیات داوران حاضر در جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

اعضای هیات داوران نسخه نهایی پایان نامه خانم لاکلی طاجم امین رحمانی تحت
عنوان ویجه‌های واکاوی و دربارهای ویجه‌های کهن با این سبک
را از نظر فرم و محتوی بررسی نموده و پذیرش آن را برای تکمیل درجه کارشناسی ارشد پیشنهاد
می‌کنند.

اعضای هیات داوران

۱- استاد راهنما دکتر محمد سعید

۲- استاد مشاور دکتر رضا کسری

۳- استاد ناظر دکتر سعید محمدی جلی

۴- استاد ناظر دکتر مقصود محمد

۵- نماینده شورای تحصیلات تکمیلی دکتر رضا کسری

آیین نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهشهای علمی

دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه: با عنایت به سیاست‌های پژوهشی و فناوری دانشگاه در راستای تحقق عدالت و کرامت انسانها که لازمه شکوفایی علمی و فنی است و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشگاه و پژوهشگران، لازم است اعضای هیأت علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان و دیگر همکاران طرح، در مورد نتایج پژوهشهای علمی که تحت عناوین پایان‌نامه، رساله و طرحهای تحقیقاتی با هماهنگی دانشگاه انجام شده است، موارد زیر را رعایت نمایند:

ماده ۱- حق نشر و تکثیر پایان‌نامه/ رساله و درآمدهای حاصل از آنها متعلق به دانشگاه می باشد ولی حقوق معنوی پدید آورندگان محفوظ خواهد بود.

ماده ۲- انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان‌نامه/ رساله به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در مجامع علمی باید به نام دانشگاه بوده و با تایید استاد راهنمای اصلی، یکی از اساتید راهنما، مشاور و یا دانشجوی مسئول مکاتبات مقاله باشد. ولی مسئولیت علمی مقاله مستخرج از پایان‌نامه و رساله به عهده اساتید راهنما و دانشجو می باشد.

تبصره: در مقالاتی که پس از دانش‌آموختگی بصورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از پایان‌نامه/ رساله نیز منتشر می شود نیز باید نام دانشگاه درج شود.

ماده ۳- انتشار کتاب و یا نرم افزار و یا آثار ویژه (اثری هنری مانند فیلم، عکس، نقاشی و نمایشنامه) حاصل از نتایج پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرحهای تحقیقاتی کلیه واحدهای دانشگاه اعم از دانشکده ها، مراکز تحقیقاتی، پژوهشکده ها، پارک علم و فناوری و دیگر واحدها باید با مجوز کتبی صادره از معاونت پژوهشی دانشگاه و براساس آیین‌نامه‌های مصوب انجام شود.

ماده ۴- ثبت اختراع و تدوین دانش فنی و یا ارائه یافته ها در جشنواره‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که حاصل نتایج مستخرج از پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرحهای تحقیقاتی دانشگاه باید با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق معاونت پژوهشی دانشگاه انجام گیرد.

ماده ۵- این آیین‌نامه در ۵ ماده و یک تبصره در تاریخ ۸۷/۴/۱ در شورای پژوهشی و در تاریخ ۸۷/۴/۲۳ در هیأت رئیسه دانشگاه به تایید رسید و در جلسه مورخ ۸۷/۷/۱۵ شورای دانشگاه به تصویب رسیده و از تاریخ تصویب در شورای دانشگاه لازم‌الاجرا است.

«اینجناب فاطمه امین رعیا دانشجوی رشته فلسفه و کلام اسلامی ورودی سال تحصیلی ۱۳۸۴ مقطع کارشناسی ارشد دانشکده علوم انسانی متعهد می شوم کلیه نکات مندرج در آیین نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش های علمی دانشگاه تربیت مدرس را در انتشار یافته های علمی مستخرج از پایان نامه / رساله تحصیلی خود رعایت نمایم. در صورت تخلف از مفاد آیین نامه فوق الاشعار به دانشگاه وکالت و نمایندگی می دهم که از طرف اینجناب نسبت به لغو امتیاز اختراع بنام بنده و یا هرگونه امتیاز دیگر و تغییر آن به نام دانشگاه اقدام نماید. ضمناً نسبت به جبران فوری ضرر و زیان حاصله براساس برآورد دانشگاه اقدام خواهم نمود و بدینوسیله حق هرگونه اعتراض را از خود سلب نمودم.»

امضا

تاریخ ۱۹/۱۲/۱۱

آیین نامه چاپ پایان نامه (رساله) های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان نامه (رساله) های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، مبین بخشی از فعالیتهای علمی پژوهشی دانشگاه است بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می شوند:

ماده ۱: در صورت اقدام به چاپ پایان نامه (رساله)ی خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به دفتر «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اطلاع دهد.

ماده ۲: در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه)، عبارت ذیل را چاپ کند:

«کتاب حاضر، حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد/ رساله دکتری نگارنده در رشته فلسفه و کلام اسلامی است که در سال ۱۳۸۷ در دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی آقای دکتر محمد سعیدی مهر و مشاوره آقای دکتر رضا اکبریان از آن دفاع شده است.»

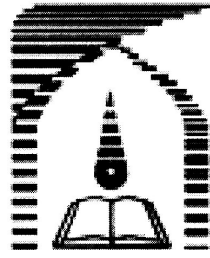
ماده ۳: به منظور جبران بخشی از هزینه های انتشارات دانشگاه، تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اهدا کند. دانشگاه می تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.

ماده ۴: در صورت عدم رعایت ماده ۳، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس، تادیه کند.

ماده ۵: دانشجو تعهد و قبول می کند در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه می تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه، معادل وجه مذکور در ماده ۴ را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش، تأمین نماید.

ماده ۶: اینجانب فاطمه امین رعیا دانشجوی رشته فلسفه و کلام اسلامی مقطع کارشناسی ارشد تعهد فوق و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می شوم.

نام و نام خانوادگی:  فاطمه امین رعیا
تاریخ و امضاء: ۸۹/۱۲/۱۱



دانشگاه تربیت مدرس
دانشکده علوم انسانی

پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته فلسفه و حکمت اسلامی

وجوب و امکان در فارابی و مقایسه آن با ابن سینا

نگارش:

فاطمه امین رعیا

استاد راهنما:

دکتر محمد سعیدی مهر

استاد مشاور:

دکتر رضا اکبریان

تیر ۸۷

سپاسگزاری :

نگارنده بر خود فرض می داند که سپاس خویش را نسبت به اساتید گرانمایه‌ی گروه فلسفه که در طول تحصیلات کارشناسی ارشد افتخار شاگردی ایشان را داشته است، تقدیم دارد.

همچنین از استاد محترم راهنما، جناب آقای دکتر محمد سعیدی مهر که راهنمایی‌های ایشان در نگارش این پایان نامه راهگشای نگارنده بوده است و نیز از استاد محترم مشاور، جناب آقای دکتر رضا اکبریان سپاس فراوان دارد.

تقدیم به آن دو عزیز
که طریق تحصیل را برایم هموار نمودند
پدرم و مادرم

چکیده :

ارسطو در منطق خود وجوب و امکان را به عنوان جهات قضایا مطرح می سازد؛ و در فلسفه وی مقصود از امکان نوعی استعداد و قوه است که برای خروج از حالت بالقوه به بالفعل نیاز به واجبی دارد که مسبوق به امکان نیست یعنی فعلیت محض است. تمایز میان وجود و ماهیت نزد ارسطو در قلمرو منطق مطرح است و به حوزه متافیزیک او وارد نمی شود و در نتیجه در نظام هستی شناسی وی هیچگونه تأثیری ندارد.

فارابی مانند ارسطو، وجوب و امکان را در منطق به عنوان جهات قضایا مطرح می سازد و برای آن‌ها معانی در نظر می گیرد.

فارابی نخستین فیلسوف مسلمان است که تمایز میان وجود و ماهیت را به حوزه متافیزیک وارد کرد، و در واقع وی مبدع تمایز میان واجب و ممکن بر مبنای تمایز متافیزیکی میان وجود و ماهیت است. فارابی نظریه قوه و فعل (ماده و صورت) و ممکن و ضروری را از ارسطو اخذ نموده و آن را مبنای تقسیم موجود به واجب و ممکن قرارداد.

ابن سینا نیز مانند فارابی و ارسطو، وجوب و امکان را در منطق به عنوان جهات قضایا مطرح می کند، با این تفاوت که اقسامی را برای وجوب و امکان بیان می کند که فارابی به آن اقسام نپرداخته بود.

ابن سینا نظریه تقسیم موجود به واجب و ممکن بر مبنای تمایز متافیزیکی میان وجود و ماهیت را از فارابی به ارث برده و آن را اساس نظام فلسفی خویش قرارداد، اگرچه مانند فارابی بحث جداگانه ای برای تمایز میان وجود و ماهیت ارائه نداده است، چراکه آن را یک امر بدیهی می دانست و لذا هرگاه در مباحث خود به آن برمی خورد به اهمیت آن تأکید می کرد.

بنابراین واجب و ممکن، به معنای مصطلح در فلسفه اسلامی در فلسفه ارسطو سابقه نداشته است، و وی ممکن را موجود بالقوه می دانست؛ بنابراین واجب خالق نیست همانطور که ممکن نیز مخلوق به آن معنا که فارابی و ابن سینا مدنظر دارند، نمی باشد.

کلید واژه : فارابی، ابن سینا، وجود، ماهیت، واجب، ممکن.

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول : کلیات

۱-۱- مقدمه.....	۲
۱-۲- بیان مسأله.....	۴
۱-۳- سؤالات تحقیق.....	۶
۱-۴- فرضیه ها.....	۷
۱-۵- پیشینه و ضرورت تحقیق.....	۸
۱-۶- روش تحقیق.....	۹
۱-۷- مختصری از زندگی و آثار فارابی.....	۹
۱-۸- مختصری از زندگی و آثار ابن سینا.....	۱۳

فصل دوّم : سیر تاریخی وجوب و امکان در ارسطو

۱-۲- مقدمه.....	۱۷
۲-۲- وجوب و امکان در منطق ارسطو.....	۱۷
۱-۲-۲- اقسام مواد (جهات).....	۱۸
۲-۲-۲- معنای احتمال.....	۱۸
۳-۲-۲- معنای امکان.....	۱۹
۴-۲-۲- قضیه مطلقه.....	۲۲
۳-۲- مسأله وجود و ماهیت نزد ارسطو.....	۲۴
۱-۳-۲- تعریف و معنای ماهیت.....	۲۵
۲-۳-۲- تمایز میان وجود و ماهیت.....	۲۷
۴-۲- وجوب و امکان در فلسفه ارسطو.....	۳۲

۳۳ ۱-۴-۲- علل وجود
۳۴ ۲-۴-۲- ماده و صورت
۳۵ ۳-۴-۲- حرکت: قوه و فعل
۳۹ ۴-۴-۲- ضروری یا واجب
۴۰ ۱-۴-۴-۲- اثبات واجب
۴۴ ۵-۴-۲- نتیجه

فصل سوّم : وجوب و امکان در فارابی

۴۸ ۱-۳- وجوب و امکان در منطق فارابی
۴۸ ۱-۱-۳- تعریف جهت و انواع آن
۴۹ ۲-۱-۳- معانی مختلف جهات اصلی
۴۹ ۱-۲-۱-۳- معانی ضروری
۵۰ ۲-۲-۱-۳- معانی مطلق
۵۲ ۳-۲-۱-۳- معانی ممکن
۵۳ ۳-۱-۳- فرق ماده و جهت
۵۴ ۴-۱-۳- تقسیمی از قضایای موجّهه
۵۵ ۲-۳- مسأله وجود و ماهیت نزد فارابی
۵۶ ۱-۲-۳- تمایز میان وجود و ماهیت
۵۶ ۱-۱-۲-۳- تمایز میان وجود و ماهیت در کتاب الحروف
۶۰ ۲-۱-۲-۳- تمایز میان وجود و ماهیت در فصوص الحکم
۶۲ ۲-۲-۳- رابطه وجود و ماهیت
۶۶ ۳-۲-۳- تفاوت ارسطو و فارابی در مسأله تمایز وجود و ماهیت
۶۷ ۳-۳- وجوب و امکان در فلسفه فارابی
۶۸ ۱-۳-۳- بداهت مفهوم وجوب و امکان

- ۶۹-۳-۲- تقسیم موجود به واجب و ممکن.....
- ۷۳-۳-۳- موجودات ممکن.....
- ۷۴-۳-۴- واجب الوجود.....
- ۷۶-۳-۴-۱- اثبات واجب الوجود.....
- ۷۷-۳-۴-۱-۱- برهان وجوب و امکان.....
- ۸۲-۳-۴-۱-۲- برهان آتی و طریق شهود و عرفان.....
- ۸۳-۳-۴-۲- صفات واجب الوجود.....
- ۸۴-۳-۴-۲-۱- واجب الوجود وجود محض است.....
- ۸۵-۳-۴-۲-۲- واجب الوجود بسیط است.....
- ۸۶-۳-۴-۲-۳- واجب الوجود واحد است.....
- ۸۷-۳-۴-۲-۴- واجب الوجود عالم است.....
- ۸۸-۳-۴-۲-۵- سایر اوصاف واجب الوجود.....
- ۸۸-۳-۵- مقایسه دیدگاه ارسطو و فارابی در مباحث مربوط به واجب.....

فصل چهارم : وجوب و امکان در ابن سینا

- ۹۱-۴-۱- وجوب و امکان در منطق ابن سینا.....
- ۹۱-۴-۱-۱- تعریف ماده (جهت) و انواع آن.....
- ۹۲-۴-۱-۲- فرق ماده و جهت.....
- ۹۳-۴-۱-۳- نامهای دیگر قضیه موجهه و وجه نامیدن به آن.....
- ۹۳-۴-۱-۴- انواع قضایای موجهه.....
- ۹۴-۴-۱-۱- قضیه ضروریه.....
- ۹۶-۴-۱-۲- قضیه دائمه.....
- ۹۷-۴-۱-۳- قضیه ممکنه.....
- ۱۰۱-۴-۱-۴- قضیه مطلقه.....

- ۱۰۲.....عقدالوضع ۵-۱-۴
- ۱۰۵.....مسأله وجود و ماهیت نزد ابن سینا ۲-۴
- ۱۰۷.....تمایز میان وجود و ماهیت ۱-۲-۴
- ۱۱۰.....عارضیت وجود بر ماهیت ۲-۲-۴
- ۱۱۵.....وجوب و امکان در فلسفه ابن سینا ۳-۴
- ۱۱۵.....بدهت مفهوم وجوب و امکان ۱-۳-۴
- ۱۱۷.....معنای واجب و ممکن ۲-۳-۴
- ۱۱۸.....تقسیم موجود به واجب و ممکن ۳-۳-۴
- ۱۲۴.....تبیین فلسفی ممکن (تمایز ممکن در تحلیل ذهنی و وحدت آن در خارج) ۴-۳-۴
- ۱۲۶.....مقایسه دیدگاه ارسطو و ابن سینا در مبحث مربوط به وقوع ممکن ۵-۳-۴
- ۱۲۸.....واجب الوجود ۶-۳-۴
- ۱۲۸.....اثبات واجب الوجود ۱-۶-۳-۴
- ۱۲۹.....برهان وسط و طرف ۱-۱-۶-۳-۴
- ۱۳۱.....برهان وجوب و امکان ۲-۱-۶-۳-۴
- ۱۳۷.....جمع بندی براهین ۳-۱-۶-۳-۴
- ۱۴۰.....صفات واجب الوجود ۲-۶-۳-۴
- ۱۴۰.....واجب الوجود واحد است ۱-۲-۶-۳-۴
- ۱۴۱.....واجب الوجود بسیط است ۲-۲-۶-۳-۴
- ۱۴۲.....واجب الوجود عقل و عاقل و معقول است ۳-۲-۶-۳-۴
- ۱۴۳.....واجب الوجود عالم است ۴-۲-۶-۳-۴
- ۱۴۴.....سایر اوصاف واجب الوجود ۵-۲-۶-۳-۴

فصل پنجم : مقایسه فارابی و ابن سینا در بحث وجوب و

امکان از موضع منطقی و فلسفی

- ۱-۵- مقایسه از حیث مبنا..... ۱۴۷
- ۲-۵- مقایسه از حیث رویکرد..... ۱۴۹
- ۳-۵- مقایسه از حیث روش..... ۱۵۰
- ۴-۵- مقایسه از حیث نتایج بحث..... ۱۵۰
- ۱-۴-۵- در بخش مباحث منطقی..... ۱۵۰
- ۲-۴-۵- در بخش مباحث فلسفی..... ۱۵۲
- ۵-۵- آزمون فرضیه‌های تحقیق..... ۱۵۵
- منابع..... ۱۵۸
- چکیده انگلیسی..... ۱۶۵

فصل اول

کلیات

۱-۱- مقدمه :

در منطق و فلسفه اسلامی مانند سایر نظام های منطقی و فلسفی، مفاهیم وجوب و امکان مورد بحث اند.

یکی از مسائلی که در تاریخ فلسفه و شرح حال فیلسوفان باید مطرح گردد، مسأله تأثیر آنان در آیندگان است، تا بدین وسیله جریان های فکری فلسفی و امتداد اندیشه های عقلی، روشن و آشکار گردد. شکی نیست که جریان فکری و فلسفی که در ایران وجود داشته مدیون اندیشه های فلسفی دو فیلسوف بزرگ، فارابی و ابن سیناست، چنانکه هنوز هم در حوزه های علمیه ایران و مکتب های فلسفی، نام این دو حکیم بزرگوار و اندیشه های علمی و فلسفی آنان بر سر زبان ها می گردد، در طی قرن ها نمی توان فیلسوف، یا منطق دان و یا متکلمی در فلسفه اسلامی یافت که رشته اندیشه و علم آن به فارابی و ابن سینا پیوستگی نداشته باشد. البته این دو فیلسوف نیز از ارسطو، متأثر بوده اند، و مسائل و مباحثی که مطرح می کنند اکثراً ریشه در افکار ارسطو دارد، که بعداً در مجموع اصول فلسفی فارابی و ابن سینا، وارد گردیده و زمینه ساز بسیاری از مسائل در فلسفه آنان گردیده است. مثلاً بحث « وجوب » و « امکان » از حیث منطقی در ارگانون ارسطو مطرح بوده و سپس فارابی و ابن سینا، مباحث آن را

گسترش دادند، و همچنین ارسطو، به تمایز منطقی میان وجود و ماهیت مخلوقات قائل بوده، اما فارابی علاوه بر آن به تمایز مابعد الطبیعی میان وجود و ماهیت مخلوقات نیز قائل می‌باشد و براساس آن موجودات را به واجب و ممکن تقسیم می‌کند، این نظریه سپس نزد ابن‌سینا اهمیتی بسزا می‌یابد. لذا در پایان نامه حاضر کوشیده‌ایم تا موضع منطقی فارابی و ابن‌سینا را در بحث «وجوب» و «امکان»، (جهات) و موضع فلسفی این دو را در این بحث با توجه به مسأله تمایز «وجود» و «ماهیت» مطرح کنیم و نشان دهیم که چگونه این مسأله، باعث شده که مسأله «وجوب» و «امکان» مطرح گردد، چرا که به نظر می‌رسد که مبحث «وجوب» و «امکان» در فلسفه اسلامی فرزند نظریه «وجود» و «ماهیت» است؛ البته به این بحث در موضوع منطقی و فلسفی، با توجه به نظرگاه ارسطو در این باب پرداخته‌ایم.

از آنجایی که تمایز میان وجود و ماهیت، بدون تردید یکی از اساسی‌ترین آراء و عقاید فلسفی در تفکر اسلامی است، بدون مبالغه می‌توان گفت که این تمایز، نخستین گام را در تفکر «وجود شناسی- مابعد الطبیعی» در میان مسلمین تشکیل می‌دهد، و بنیادی را فراهم می‌کند که تمام ساختمان مابعد الطبیعی اسلامی، بر آن ساخته شده است. در واقع از نخستین دوره‌های اسلامی، تقسیم دو بخش «ماهیت» و «وجود» چنان نقش برجسته‌ای ایفا می‌کند که حتی بر فلسفه مدرسی غرب در قرون وسطی، به عنوان یکی از عقاید نوعاً اسلامی تأثیر کرده است.

در فلسفه اسلامی، که تا حدی مُلْهَم از فلسفه ارسطو و فلسفه نوافلاطونی است، عقیده تمایز واقعی بین ماهیت و وجود، صریحاً مورد پذیرش بوده و یک حقیقت بنیادی به نظر آمده است. این فرق و

تمایز همانطور که گفته شد، ابتدا در فارابی دیده می‌شود و سپس ابن سینا به تبعیت از فارابی، آن را یکی از اندیشه‌های اصلی نظام خویش می‌سازد.

مسئله تمایز وجود و ماهیت و رابطه میان آنها از بسیاری جهات اهمیت فراوانی به خود گرفته است، که یکی از آن‌ها مسئله تقسیم موجود به « واجب » و « ممکن » است.

بنابراین، سعی می‌شود مسئله « وجوب » و « امکان » بصورتی مستدل و منسجم، در موضع منطقی و فلسفی، ارائه شود و برای این امر مهم سیر تاریخی این بحث از ارسطو و سپس در تفکر اسلامی پی‌گیری می‌شود.

۱-۲- بیان مسئله :

ماهیت در نظر ارسطو در قلمرو مفاهیم منطقی مطرح می‌شود، لذا از تمایز وجود و ماهیت، تمایز منطقی وجود و ماهیت را مدنظر دارد؛ چرا که آنچه ذهن وی را ابتدائاً به خود مشغول کرده است، ذوات یا ماهیاتی‌اند که واقعاً موجودند، در این چنین نظام مابعدالطبیعی جایی برای تمایز و رابطه بین وجود و ماهیت نیست، زیرا ماهیاتی که وجود ندارد از همان آغاز کنار زده شده‌اند.

پس، سخن ارسطو ناظر به یک تمایز منطقی است و این تمایز به تمایز هستی شناختی گسترش نمی‌یابد، هر چند که در مابعدالطبیعه بحث از چیستی و ماهیت را مطرح می‌کند و بین آن و هستی تمایز قائل می‌شود، اما در نظام وی این تمایز اثر مهمی نداشته و ارسطو نه تنها در هیچیک از مباحث مابعدالطبیعی خود از آن بهره نبرده است، بلکه اساساً با نظام مابعدالطبیعی او سازگار نیست.

فارابی نخستین فیلسوف مسلمان است که تقسیم دوگانه وجود و ماهیت را به حوزه متافیزیک و همچنین به حوزه فلسفه اسلامی وارد کرد، چرا که وی در الحروف که باید آن را نخستین فرهنگ اصطلاحات در بین مسلمین دانست، در هنگام بحث از تحلیل مفهومی موجود بحث تمایز وجود و ماهیت را نیز در بحث از موجود مطرح می‌کند.

پس این تمایز نتیجه فکر اوست که بین ماهیت و وجود مخلوقات، نه فقط تفاوت منطقی بلکه تفاوت مابعدالطبیعی نیز وجود دارد.

از آنجا که فارابی قائل به تمایز مابعد الطبیعی میان وجود و ماهیت است؛ درانقسام اولیه موجودات را به واجب و ممکن تقسیم می‌کند و واجب الوجود که وجود او عین ماهیتش می‌باشد، موجود نخستین فلسفه فارابی می‌شود؛ و موجود ممکن وجود و ماهیتش به تحلیل عقلی، دو امر جدا و متمایز است.

بنابراین از ثمرات نظریه بنیادی تمایز میان وجود و ماهیت، تقسیم اولیه موجود، به واجب و ممکن است؛ و فارابی مبدع نظریه واجب و ممکن بر مبنای مسأله تمایز و فرق میان وجود و ماهیت است.

فارابی به تمایز و دوگانگی وجود قائل است و صریحاً از یکی واجب و از دیگری به ممکن تعبیر می‌کند؛ آنهایی که وجودشان بذاته واجب است و از فرض عدمشان محال لازم می‌آید، واجب الوجود و آنهایی که با فرض عدم وجودشان محال لازم نمی‌آید، ممکن الوجودند.

در تفکر فلسفی ابن سینا نیز علاوه بر دو واژه وجود و ماهیت که اساس و زیرساخت فلسفه هستی شناسانه وی هستند، دو واژه واجب و ممکن هم به چشم می‌خورند که نه تنها در فلسفه هستی شناسی سینوی نقش عمده دارند، بلکه پایه اصلی مبحث خداشناسی سینوی نیز قرار می‌گیرد؛ وی همه تألیفات الهی خود را با بحث واجب و ممکن، شروع می‌کند و از این رهگذر به اثبات خدا می‌رسد.

ابن‌سینا، نظریه واجب و ممکن را با تکیه بر تمایز میان وجود و ماهیت از فارابی گرفته، و مطالبی را که فارابی مطرح کرده است با تفصیل بیشتر و طبقه‌بندی بهتر بیان می‌کند، لذا از نظر وی موجودات یا واجب‌الوجود و یا ممکن‌الوجودند. واجب‌الوجود، موجودی است که با نظر به ذاتش وجودش واجب است، اما ممکن‌الوجود، با نظر به ذاتش وجودش واجب نیست، اگرچه ممتنع هم نیست، زیرا اگر ممتنع بود موجود نمی‌شد.

علاوه بر اینکه بحث واجب و ممکن در فلسفه مطرح است، در منطق نیز با عنوان بحث جهات مطرح می‌گردد، منطقیان در باب قضایا که بحث می‌کنند، قضایا را تقسیم به قضایای موجهه و غیرموجهه می‌کنند و سپس به بررسی اقسام ضرورت و امکان می‌پردازند.

با توجه به مطالبی که بیان شد، در این پژوهش قصد داریم این مطلب را روشن سازیم که تا چه حد مبحث وجوب و امکان - آنطور که متخصصین قرون وسطی و فلسفه مدرسی ادعا می‌کنند - ابتکار ابن‌سیناست؟ آیا واقعاً نخستین بار ابن‌سینا، این مسأله را مطرح نموده و یا فارابی، همچون بسیاری دیگر از مسائل بنیادی فلسفه اسلامی، در این زمینه نیز بر ابن‌سینا تقدم داشته و یا حداقل زمینه‌ساز اندیشه ابن‌سینا بوده است؟ و اینکه ابن‌سینا بعد از فارابی چه مطالبی را بر بحث وجوب و امکان، در موضع منطقی و فلسفی افزوده است؟

۱-۳ - سؤالات تحقیق :

۱- تحلیل وجوب و امکان در فلسفه فارابی و ابن‌سینا چه ارتباطی با تحلیل وجود و ماهیت دارد؟

۲- ابتکار فارابی در بحث وجوب و امکان چیست؟

۳- تشابهات فارابی و ابن‌سینا در بحث وجوب و امکان چیست؟

۴- تفاوت فارابی و ابن‌سینا در بحث وجوب و امکان چیست؟

۵- چه پیامدهای فلسفی بر ابتکار فارابی در بحث مواد ثلاث مترتب است؟

۴-۱- فرضیه‌ها:

۱- از آنجایی که فارابی و ابن‌سینا قائل به تمایز متافیزیکی میان وجود و ماهیت هستند، لذا درانقسام اولیه موجودات را به واجب و ممکن تقسیم می‌کنند، به طوری که یا در تحلیل عقلی، وجود و ماهیت موجود، دو امر جدا و متمایز است که چنین موجودی ممکن است و یا وجود او عین ماهیتش است که چنین موجودی واجب‌الوجود است.

۲- با مراجعه به مابعدالطبیعه ارسطو، بخصوص کتاب دلتا، چنین درمی‌یابیم که مفهومی که نزد وی از وجوب و امکان مطرح است، معنای منطقی و گاه معنی قوه و توانمندی و قابلیت در باب «امکان» است. لذا فارابی نخستین بار امکان و وجوب «امکان ماهوی» به معنای مصطلح در فلسفه اسلامی را در آثار خود بویژه فصوص الحکم، پس از تمایز میان وجود و ماهیت و تلاش در تبیین رابطه آن دو، به طور روشن مطرح کرده است.

۳- فارابی و ابن‌سینا هر دو قائل‌اند به اینکه واجب و ممکن، از معانی بدیهی‌اند که توسط تصور قبلی دیگر تصور نمی‌شوند. هر دو امکان ماهوی را مطرح می‌کنند، و هر دو این مطلب را صریحاً بیان می‌کنند که واجب‌الوجود بالغیر ذاتاً ممکن‌الوجود است، با این تفاوت که فارابی با عباراتی کوتاه این مطلب را بیان می‌کند، اما ابن‌سینا آن‌ها را شرح می‌دهد.